

متن پرسش

سلام علیکم متأسفانه مردم تربیت شده سخنوران هایی هستیم که افراد رسانه ای یا مغلوب حرفه سخنوری بوده، و یاد گرفتیم با چنین طور حرف ها مسائل را بفهمیم یا خود را تعریف کنیم! و حجابی بر «فهمیدن روح» را بر خود اعمال و از خود خارج باشیم، یا متأسفانه تحلیل های تخصصی بحساب دانشگاهی جزع به جزع متلاشی که اجماع ندارد و این نیز مثل اولی خطرناک است. اصلاً فهم صرفاً در این دو نیست بلکه قرار گرفتن روح در معرض سخنانی است که زنده بسوی ما آمده اند و این ورای رسانه یا حرفه سخنوری و عالم کیفیت و ادراک است. بنده معتقدم بی شک مهم نیست آدمها با گفتن چه بهانه ای خود را از جبهه حق خارج می کنند حتی اگر منطق منظمی داشته باشد، مهم این است که خود را محروم می کنند، و مهم است آنهایی که در جبهه های حق هستند خود صرفاً را گرفتار شکل و محدودیت های حرف های خوب نکنند هرچند خوبند. نگاه اصلی ام که از عجایب حضرت امام شهید و همچنین سخنان پهلوی به پلهوی رهبر حاضر حفظه الله به پدرشان هست این است که نه انسان زمین گیر نوع حرف های آنها میشود و نه دوگانگی بین اشارات و کلمات آنها میبینی و ادراک روحانی است که مهم تر از آن محیا شدن یکدفعه ای شگفت انگیز روح های خواب آلود است. ما با سرعت زیاد در حال یافتنیم؛ حجم پیش آمد های زیاد خود، انسان را سرپا نگه میدارد زیرا بنده خود را به هیچ نوع غیر از ازدحام تربیت انفسی «خود» نمی یابم و اگر در شدت و حیرت نباشم اصلاً بی معنی ام و خودم نخواهم بود و اگر در شدت و حیرت باشم و روحم در زمینی آسمانی آنها نفهمد چنان زجری میکشم که گویا نوزادی از شیر مادرش محروم شده. کهرختی، کهولت و خرفتی دنیای مدرن از جای گذاری اطلاعات و رسانه ها به جای آن، مارا خاموش و کشته است این همان کثراتی است قرآن اشاره دارد که هلاکمان میکند. حقیقتاً هرچه نگوییم بهتر از آن است که بگوییم زیرا همین لحظه این حرف هارا برای خود منقضی میدانم اما چه کنم گرفتارم. همواره این گونه حرف هایم مملو از حسرت، رنج، درد و شور و شوق و امید هست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نکات خوبی اشاره می فرمایید ولی چه خوب بود که این نوشته خوب، ویرایش می شد تا خوانندگان آن، راحت تر متذکر نکات آن می شدند. موفق باشید